

## نقش پلیس زن در پیشگیری از جرایم علیه کودکان

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۳/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۹/۱۲)

زهرا سفیدگر<sup>۱</sup>

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین

### چکیده

گسترش روزافزون بزهکاری، بزه دیدگی مستقیم و غیر مستقیم افراد بیشتری را در پی خواهد داشت. گروه های آسیب پذیر همچون کودکان استحقاق توجه و حمایت بیشتری را دارند. حمایت پلیس زن از این قشر آسیب پذیر در فرآیند عدالت کیفری و ترمیمی در کنار حمایت عاطفی از این دسته از بزه دیدگان و همچنین ارائه آموزش های لازم به این گروه از بزه دیدگان توسط پلیس زن برای جلوگیری از بزه دیدگی ایشان، از جمله تدابیر حمایتی موثر از این بزه دیدگان است. با توجه به کاهش سن ارتکاب جرم در جوامع، اطفال در معرض آسیب ها و تهدیداتی قرار می گیرند که پلیس زن می تواند به علت نوع جنسیت و ویژگی های خاص روحی و روانی و مهارت در ارتباط، به ویژه ارتباط کلامی؛ نقش مهمی در پیشگیری از جرایم این دسته از افراد و جلوگیری از در معرض تهدید قرار گرفتن اطفال داشته باشد. در واقع زنان پلیس با دخالت در فرایندهای پیشگیری وضعی و اجتماعی، از طریق ارائه اطلاعات در زمینه خدمات پلیس و نیز جرایم علیه کودکان، آموزش مهارت ها و توانایی های لازم به کودکان و خانواده های آنان و نیز کنترل عوامل جرم زا؛ در زمینه پیشگیری از جرایم علیه کودکان نقش مهمی ایفا می نمایند.

**واژگان کلیدی:** پلیس زن، پیشگیری وضعی، پیشگیری اجتماعی، کودکان بزه دیده

<sup>1</sup> Email.sefidgar@gmail.com



## مقدمه

جوامع بشری همواره با مساله بزه و بزهکاری درگیر بوده اند. از آنجا که پیشگیری بهتر از درمان است و از طرفی یکی از وظایف ناجا بر اساس بند ۸ ماده ۴ قانون ناجا (مصوب ۲۷ تیر ۱۳۶۹) پیشگیری از وقوع جرم می باشد. نقش کلیدی زنان در امور مختلف جامعه نیز موضوعی است که بر کسی پوشیده نیست و زنان در اکثر جوامع علاوه بر قبول مسئولیت های مادری و همسری، همواره در مشاغل و جایگاه های اجتماعی مختلفی نقش ایفا می نمایند. کودکان نیز به دلیل ویژگی هایی که دارند بیشتر در معرض بزه دیدگی قرار می گیرند؛ لذا این مقاله، به بررسی نقش پلیس زن در پیشگیری از جرایم علیه کودکان می پردازد. پلیس زن توانایی درک نقش و پایگاه اجتماعی اطفال را دارد، بنابراین بهترین وسیله برای همسویی با اهداف اجتماعی در لافاه افزایش امنیت و جلوگیری از جرم خواهد بود. با توجه به ویژگی های خاص در پلیس زن، جلوگیری از جرایم مخصوصا جرایم ناظر بر خانواده و کودکان را در حوزه تخصصی این گروه از پلیس قرار می دهد. حتی یکی از نوآوری های قانون آیین دادرسی کیفری بر اساس ماده ۴۲، توجه به نیروی پلیس زن در بحث بازجویی و تحقیقات از افراد نابالغ است. با توجه به اهمیت موضوع پیشگیری از جرم و اینکه نیروی انتظامی و به ویژه پلیس زن تا کنون اقدامات مختلفی برای جلوگیری از وقوع جرم انجام داده اند، لذا شناخت شیوه ها و اقدامات و توانایی ها و نیز اثرگذاری فعالیت های مذکور برای جهت گیری های آتی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در پیشگیری از جرایم علیه کودکان، زنان پلیس که وظیفه حفظ امنیت و آرامش شهروندان را برعهده دارد؛ نقش پررنگ تر و جدی تر است. نظر به اهمیت موضوع پیشگیری و کارکردهای متعدد و مهم پلیس در پیشگیری از جرم، مقاله حاضر با هدف تبیین نقش پلیس زن در پیشگیری از جرایم اطفال و در پی پاسخ به چند سوال اساسی است که نقش پلیس زن در پیشگیری جرایم کودکان کدام است و پلیس زن برای انجام این وظیفه مهم چه توانایی ها و قابلیت هایی دارد و از چه راهکارهایی برای انجام این وظیفه بهره می برد. لذا در این مقاله ضمن معرفی پلیس زن و تعریف پیشگیری و انواع آن، به بررسی بزه دیدگی کودکان



پرداخته و به تبیین توانایی های پلیس زن و نیز نقش آن در انواع پیشگیری وضعی و اجتماعی با روش اسنادی و مطالعه منابع کتابخانه ای پرداخته می شود.

## بخش اول: پیشگیری

### الف) تعریف پیشگیری

پیشگیری در لغت به معنای جلوگیری کردن، مانع شدن و پیش بندی کردن می باشد. پیشگیری در اصطلاح مفهومی کلی است و مجموعه اقداماتی است که برای جلوگیری از فعل و انفعالات زیان آور محتمل بر فرد و گروه به عمل می آید. (گل محمدی خامنه، ۱۳۸۴) پیشگیری از جرم شامل راهبردها و تدابیری است که در صدد کاهش خطر وقوع جرایم و کاهش تاثیرات مضر و بالقوه آن ها بر اشخاص و جامعه شامل ترس از جرم از طریق تحت تاثیر قراردادن عوامل متعدد موثر بر آن ها است. در واقع پیشگیری از وقوع جرم، مجموعه اقداماتی است که هدف نهایی آن، منحصر یا به صورت جزئی، محدود کردن دامنه ارتکاب جرم و غیرممکن کردن یا مشکل کردن یا کم کردن احتمال وقوع جرم است. (فروودی نیا، ۱۳۹۰، ص ۲۷) در بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی مصوب ۲۷ تیر ۱۳۶۹، پیشگیری از وقوع جرایم به عنوان ضابطه به عهده پلیس گذاشته شده است و انتظار مردم و مسئولان هم این است که پلیس زمینه های وقوع جرم را شناسایی و برای حذف یا کاهش آن اقدام کند.

### ب) انواع پیشگیری

پیشگیری از جرم از نظر ماهیت و طبیعت تدابیر پیشگیرانه به دو گروه پیشگیری وضعی و پیشگیری اجتماعی تقسیم می شود. پیشگیری وضعی شامل اقدامات غیر کیفری با هدف جلوگیری از به فعلیت رسیدن اندیشه مجرمانه با تغییر دادن اوضاع و احوال خاصی است که یک سلسله جرایم مشابه در آن شرایط به وقوع پیوسته یا ممکن است در آن اوضاع و احوال ارتکاب یابد. (پروین، ۱۳۸۵، ص ۱۴۴) اقدام های وضعی پیشگیرانه ناظر به اوضاع و احوال و شرایطی است که مجرم را در آستانه ارتکاب جرم قرار می دهند. این اوضاع و احوال که در جرم شناسی وضعیت های ماقبل بزهکاری نام دارند. تفکر و اندیشه به عمل مجرمانه را تحریک



یا تسهیل کرده و نقش تعیین کننده ای در آن ایفا می کنند. در مثلث تکوین جرم، یک راس آن شخص بزهکار و راس دیگر بزه دیده و راس سوم موقعیت یا وضعیت است. (نجفی ابرند آبادی و هاشم بیگی، ۱۳۷۷، ص ۲۶۹) جلوگیری از وضعیت جرم زا ریشه در بزه دیده شناسی دارد. به عبارت دیگر جلوگیری وضعی عبارت است از مجموعه اقدامات غیر کیفری است که جرم را بهم میزند و هزینه انجام بزه را بالا می برد به نحوی که بزهکار بالقوه از ارتکاب جرم صرف نظر کند. پلیس زن از طریق جلوگیری از شرایط جرم زا می تواند آرامش، اطمینان، اعتماد و نظم و امنیت همه جانبه را برای کودکان و خانواده ها ایجاد نماید. منظور از پیشگیری اجتماعی مطابق با بند الف ماده یک لایحه پیشگیری از جرم، اقدامات و تدابیری است که هدف آن حذف یا کاهش خطر عوامل اجتماعی و اقتصادی و محیطی جرم است. در پیشگیری اجتماعی، نهادهایی چون خانواده، مدرسه، رسانه و... درگیر هستند و تلاش می کنند تا فرصت های ارتکاب جرم را تا حد امکان کاهش دهند. مرکز بین المللی پیشگیری از جرم نیز پیشگیری اجتماعی را چنین تعریف می نماید: "هر چیزی که بزهکاری، خشونت و ناامنی را از طریق هدف گیری موفقیت آمیز علل شناخته شده جرم. از طرق علمی کاهش دهد." (محمدنسل، ۱۳۸۷، ص ۵۰) پیشگیری اجتماعی دو دسته می باشد؛ دسته اول پیشگیری جامعه مدار یا محیطی است که هرگاه تاثیر گذاری بر محیط های پیرامون انسان مدنظر باشد این نوع پیشگیری مدنظر است. دسته دوم پیشگیری زودرس یا رشد مدار می باشد که هرگاه تدابیر پیشگیرانه در مراحل مختلف رشد کودک ناسازگار یا منحرف یا مجرم مدنظر باشد، این نوع پیشگیری مدنظر است. (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۴، ص ۱۵) یعنی اگر طفل به هر دلیل از خود مظاهر بزهکاری نشان داد با مداخله زودرس بر وی و محیط پیرامون او، جلوی مزمن شدن بزهکاری را در آینده بگیریم. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۳۳) زمانی که تدابیر روانی- اجتماعی پیشگیرانه نسبت به کودکان به صورت افتراقی به اجرا گذاشته می شود، در چارچوب پیشگیری اجتماعی رشد مدار مورد مطالعه قرار می گیرد. در واقع پیشگیری اجتماعی رشد مدار، که به آن پیشگیری زودرس یا زود هنگام نیز گفته می شود، به دنبال آن است تا با شناسایی عوامل خطر، تقویت عوامل حمایتی و مداخله زودرس، از پایداری بزهکاری در افراد



جلوگیری نماید. به بیان دیگر می‌کوشد تا با به‌کارگیری اقدامات مناسب روان‌شناختی - اجتماعی زود هنگام از تداوم و استقرار رفتارهای مجرمانه در افراد ممانعت کند. (نیازپور، ۱۳۸۲، ص ۱۳۸)

## بخش دوم: پلیس

### الف) مفهوم پلیس

در فرهنگ لغت آکسفورد پلیس چنین تعریف شده است که: "پلیس سازمان رسمی است که وظیفه آن الزام افراد به پیروی از قانون و پیشگیری از جرم و پاسخ به آن است." در واقع پلیس عملیاتی است که هدف آن تامین آرامش، امنیت و سلامت عمومی از راه عمومی یا فردی و به وسیله برخی اقدامات مناسب است. (استفانی و دیگران، ۱۳۷۷، ص ۴۳۰) برهی دیگر پلیس را به عنوان میانجی بین جامعه و سیستم قانونی هر کشوری معرفی می‌کنند. (میرشفیعیان، ۱۳۸۵، ص ۱۸) در بسیاری از کشورها دسته بندی مشخصی از پلیس صورت گرفته است به این صورت که پلیس به دو گروه پلیس اداری و پلیس قضایی تفکیک شده است. بسیاری از کشورها از جمله انگلیس و فرانسه، وظایف پلیس اداری از پلیس قضایی تفکیک شده است. وظیفه اصلی پلیس اداری حفظ امنیت شهروندان و صیانت از نظم عمومی است. به عبارت دیگر وظیفه پلیس اداری پیشگیری از جرم است. در حالیکه نقش پلیس قضایی کمک به جنبه کیفری یا تعقیب مجرمان است. (یکرنگی، ۱۳۸۵، ص ۵۳) در نظام حقوقی ایران نیز وظیفه پیشگیری از جرم بر عهده پلیس اداری است؛ چرا که تمامی تلاش ماموران نیروی انتظامی باید صرف انتظام امور جامعه و پیشگیری از وقوع جرم شود. (مهبادی، ۱۳۸۱، ص ۱۱) بنابراین پلیس باید وظیفه حفظ نظام و امنیت و پیشگیری از وقوع جرم را در مواردی که ضرورت داشته باشد، اجرا نماید. (رجبی، ۱۳۸۸، ص ۲۵)

### ب) پلیس زن

از اواخر قرن ۱۹ میلادی، زنان دارد سازمان های پلیسی شدند. اما همواره به دلایل مختلف با محدودیت هایی مواجه بودند. در ایران، پذیرش پلیس زن از سال ۱۳۴۵ به صورت درجه داری



و از سال ۱۳۴۸ به صورت افسری آغاز شد. بعد از انقلاب اسلامی تغییراتی در ساختار پلیس زن برای رعایت احکام اسلامی صورت گرفت و بیشتر از این زنان برای مشاغل اداری و بازداشتگاه های زنان استفاده می کردند. با توجه به نیاز جامعه و کشور به پلیس زن در ایران، با تصویب اصلاحیه قانون نیروی انتظامی توسط مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۷، اولین گروه از زنان پلیس با یونیفرم نظامی در سال ۱۳۷۸ و از طریق کنکور سراسری وارد دانشکده پلیس شدند. از همان ابتدا قرار شد پلیس زن برای رفع نیازهای زنان و کودکان در مشاغلی که از بعد شرعی و روحی و فرهنگی ایران ضرورت دارد، حضور داشته باشد. (اورنگ، ۱۳۸۴، صص ۲۵-۲۴)

## بخش سوم: مفهوم بزه دیدگی کودکان و مصادیق آن

### الف) بررسی مفهوم طفل بزه دیده

از لحاظ لغوی طفل به معنای خرد و کوچک است (معین، ۱۳۶۲، ص ۲۱۴۸) در اصطلاح فقهی شخصی که به حد بلوغ نرسیده باشد به عنوان طفل شناخته می شود، چه اینکه بلوغ اصطلاحاً به ادراک و رسیدن به مرحله معینی از رشد جسمی و روانی اطلاق می شود. (جابری، ۱۳۶۲، ص ۶۱) در کنوانسیون حقوق کودک طفل را فردی که کمتر از ۱۸ سال سن دارد می دانند مگر اینکه طبق قانون داخلی کمتر تشخیص داده شود. کودک بزه دیده می تواند دو مفهوم عام و خاص داشته باشد. در مفهوم عام کودک بزه دیده هر کودک زیر سن بلوغی است که بر اثر رفتارهایی که در قانون جرم محسوب می شود، متحمل آسیب های جسمی، روانی، عاطفی یا مالی گردد. اما کودک بزه دیده در مفهوم خاص شامل کودکی است که قربانی جرمی شده است که تنها علیه کودکان واقع می شود. در واقع کودکان به لحاظ دارا بودن ویژگی های خاص جسمی و روحی نسبت به بزرگسالان و اینکه در مرحله رشد و تکامل بوده و نیازمند حمایت از سوی والدین، سرپرستان و مراقبان خود هستند باید مورد حمایت ویژه قرار گیرند. به همین منظور قانونگذار برخی رفتارها را که منجر به آسیب جسمانی، روانی، عاطفی و اخلاقی کودک می شود و یا وضعیت اجتماعی و رشد وی را به مخاطره می اندازد



تحت عنوان سواستفاده از کودک و بی توجهی به وی یا کودک آزاری جرم انگاری کرده است. (عباچی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۶) و از این طریق کودکان را از حمایت های ویژه بهره مند ساخته است. این جرم غالبا توسط والدین، سرپرست قانونی یا افراد مسئول تربیت و نگهداری کودک ارتکاب می یابد و در ماده ۲ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان نیز پیش بینی شده است و براساس آن هرنوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی شود و سلامت جسم و روان آنان را به مخاطره اندازد ممنوع است. سند بین المللی رهنمودهای راجع به عدالت برای کودکان بزه دیده و شاهد جرم بدون تفکیک مفهوم عام و خاص بزه دیده کودکان کمتر از ۱۸ سال که جرمی علیه آنان واقع شده است را بزه دیده تلقی کرده است. در حقوق کیفری ایران نیز تا سال ۱۳۸۱ حمایت از کودکان در مقابل بزه دیدگی در مواد ۶۱۹ (توهین به کودکان)، ۶۲۱ (آدم ربایی)، ۶۳۱ (ربودن اطفال)، ۶۲۳ (رها کردن طفل)، ۶۴۲ (ترک انفاق اطفال) و ۷۱۳ (وسیله قراردادن طفل برای تکدی) قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و از طریق جرم انگاری برخی اعمال علیه کودکان یا تشدید کیفر جرایم عادی علیه کودکان نمود یافته است. در سال ۱۳۸۱ قانونگذار ایران با تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان حمایت ویژه ای از اطفال بزه دیده نمود و ضمن جرم انگاری های جدید برخی موارد شکلی مانند واجد حیثیت عمومی دانستن کلیه جرایم علیه اطفال و نوجوانان و جرم انگاری عدم گزارش موارد کودک آزاری از سوی اشخاص و نهاد های مسئول مراقبت کودک را نیز به حوزه حمایت از کودکان بزه دیده افزود. علاوه بر این در برخی قوانین همچون قانون مبارزه با مواد مخدر و قانون جرایم رایانه ای نیز به صورت پراکنده موادی در حمایت از کودکان بزه دیده وجود دارد.

## ب) مصادیق بزه دیدگی کودکان

### ۱. جرایم علیه سلامت جسمی کودکان

منظور از جرایم علیه سلامت جسمی، رفتارهایی هستند که موضوع آن ها جسم و جان افراد است، جرایمی که حق حیات انسان و اصل مصونیت جسم او از تعدی و تعرض را هدف قرار



می دهند. تعرض به تمامیت جسمانی افراد گاه منتهی به مرگ که سنگین ترین نتیجه مجرمانه است می شود و گاه نیز نتایج خفیف تری را از جمله ضرب و جرح به همراه دارد. قانونگذار مواردی از جمله ضرب و جرح و قطع عضو، رها کردن طفل، بهره گیری از اطفال برای تکدی گری، ترک انفاق کودکان، بهره برداری از اطفال در جرایم مواد مخدر، آدم ربایی و قاچاق کودکان و عدم استرداد طفل تردیدی در جرم شناختن اعمال مذکور ندارد و در قوانین مختلف از جمله قانون مجازات اسلامی، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، قانون مبارزه با مواد مخدر و... به بیان مجازات اقدامات مذکور پرداخته است. (بیگی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۶)

## ۲. جرایم علیه شخصیت و سلامت روانی کودکان

این دسته از جرایم که هدف از جرم انگاری آن ها حمایت از سلامت روانی و شخصیت کودکان است عبارت هستند از نامشروع دانستن فرزند خود یا دیگری و نقض حقوق تحصیلی کودکان و مانع شدن از تحصیل آنان که در قانون مجازات اسلامی بخش کذب و نیز در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان تبیین شده اند.

## ۳. جرایم جنسی علیه کودکان

این دسته از جرایم که بخش اعظم جرایم علیه کودکان را تشکیل می دهند عبارتند از زنا با محارم، زنا با زن محصنه با نابالغ، لواط، تفخیز، مساحقه، ازدواج غیر قانونی با طفل و به کارگیری اطفال در اعمال خلاف جنسی که در قانون مجازات اسلامی و نیز قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بیان شده است. (فیروزی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۹)

## بخش چهارم: نقش پلیس زن در پیشگیری از جرایم اطفال

### الف) نقش پلیس زن در پیشگیری جامعه مدار از جرایم اطفال

پیشگیری جامعه مدار که قدیمی ترین و رایج ترین شکل پیشگیری غیر کیفری است و مکتب تحقیقی نیز بر آن تاکید کرده است، شامل اقدام های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می شود که نسبت به محیط هایی که فرد در آن ها متولد، رشد و کار می کنند؛ اعمال می شود.



مبنای جرم‌شناسی پیشگیری اجتماعی از نوع جامعه‌مدار، شناسایی عوامل مختلف محیطی بزهکاری به منظور خنثی کردن یا دست کم کاهش آثار آنها می‌باشد. در واقع پیشگیری جامعه‌مدار از بزهکاری، با بهبود شرایط زندگی در یک محیط معین به طور مستقیم بر رفتار مجرمانه تأثیر می‌گذارد. به سخن دیگر در این نوع پیشگیری مطالعه منابع بزهکاری و شناسایی علل آن که با ساختار و تشکیلات جامعه ارتباط پیدا می‌کند در الویت قرار می‌گیرد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳، ص ۵۷) تغییر اوضاع و احوال نامساعد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بزهکار، منحرف پروری که در هر حال زمینه اجتماع زدایی یعنی کنار گذاشتن فرد از جامعه را فراهم می‌آورد. فقر، بیکاری اشتغال کاذب، سو اشتغال، بیماری، بی سوتدی، حاشیه نشینی، بی مسکنی و نیز مبارزه با عوامل روانی جامعه شناختی و فردی به ویژه شرایط نامطلوب به خانواده که شکست‌های عاطفی، تربیتی و تحصیلی اطفال را فراهم می‌آورند؛ هسته اصلی این شکل از پیشگیری غیرکیفری را تشکیل می‌دهند. (کاریو، ۱۳۸۱، ص ۳۵) پلیس زن در پیشگیری جامعه‌مدار از جرایم علیه کودکان اقدامات زیر را انجام می‌دهد:

#### ۱. کنترل عوامل جرم‌زا

قبل از اقدام برای پیشگیری ضروری است که عوامل جرم‌ساز شناخته شوند، همچنین ضروری است مشخص گردد چه عواملی تأثیر بیشتری در ایجاد انحراف دارند. (السان، ۱۳۸۶، ص ۲۳)

عوامل جرم‌زا دو دسته هستند:

الف. عوامل جرم‌زا داخلی که شامل عوامل فردی مانند جنسیت، سن، وضعیت ظاهری و قیافه، نوع خون، ضعف یا قدرت بدنی، عامل ژنتیک و عوامل روانی مانند وحشت و اضطراب و حسادت و... می‌شود.

ب. عوامل جرم‌زا خارجی که شامل عوامل محیطی چون اوضاع اقلیمی، آلودگی هوا و... عوامل اجتماعی مثل خانواده و فرهنگ و شغل و... می‌شود.

به طور کلی عوامل و زمینه‌های جرم عبارتند از عوامل تربیتی و عوامل اقتصادی.



## ۲. اطلاع رسانی قواعد اجتماعی و آموزش مهارت های زندگی

پیشگیری اجتماعی در واقع به دو نقطه یک خط شبیه هستند که در یک طرف آن فرد و خانواده و در طرف دیگر جامعه و محیط قرار دارد. خانواده نیز بخشی از محیط است اما خانواده بستر تولید و تربیت اولیه فرد به منظور جامعه پذیر ساختن اوست. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۱) لذا یکی از اقدامات اساسی در راستای پیشگیری از جامعه مدار از جرایم علیه کودکان، آموزش مهارت های زندگی به زنان می باشد. از سوی دیگر تحولات سریع به واسطه گسترش فناوری اطلاعات از یک سو و دخالت عوامل جمعیتی چون مهاجرت، جوانی جمعیت و گسترش شهرنشینی در سایه اشاعه فرهنگی در سطره بین المللی، شرایطی را برای زندگی اجتماعی فراهم آمده که انطباق با آن شرایط، همواره موجب اختلالاتی بوده که به نوبه خود در افزایش آسیب ها و ناهنجاری ها و به تبع آن ارتکاب جرائم نقش دارند. از این رو، رویکرد و گرایش به آموزش و بسط و توسعه مهارت های زندگی به عنوان عامل پیشگیری از بزهکاری افراد می تواند مورد توجه پلیس زن قرار گیرد. (رجبی پور، ۱۳۸۸، ص ۱۱۲) لذا آموزش همگانی امروزه به عنوان یک راهبرد ایجاد تغییر و تحول در جوامع در سطوح مختلف جایگاه ویژه ای پیدا کرده است؛ پلیس زن آموزش همگانی را با هدف پیشگیری و با رویکرد آموزش مهارت های زندگی در دستور کار خود قرار داده است پیش فرض پلیس زن در توجه به این اسرار از آنجا ناشی می شود که پلیس به عنوان یک نهاد اجتماعی جزء لاینفک زندگی اجتماعی و در نقش یک ناظم اجتماعی ضرورتاً برای آموزش مهارت های زندگی برنامه داشته باشد. با این هدف، یکی از خدمات مشاوره ای مراکز مشاوره ناجا و همچنین دوایر اجتماعی کلاتری ها، ارائه مشاوره های اجتماعی و یا روانی به افراد مراجعه کننده به منظور آموزش آن ها در خصوص مهارت های زندگی می باشد. همچنین در سطح گسترده تر و فراتر از توجه صرف به مراجعه کنندگان با گسترده نمودن دوایر مخاطبین خود، پس از شناسایی وضعیت و شرایط فرهنگی و اجتماعی حوزه استحفاظی و کسب آگاهی از نیازمندی های مهارتی مورد نیاز در شرایط مذکور، با ابزارهای مختلف آموزشی مانند سخنرانی و یا چاپ بروشور به دنبال ارتقا مهارت های زندگی افراد می باشند. (کرمی



خوزانی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۳) اینگونه آموزش‌ها برای افزایش تاثیر گذاری و اطلاع رسانی قواعد اجتماعی بر پایه پیشگیری اجتماعی صورت گرفته و به دنبال هماهنگ سازی افراد جامعه با قواعد اجتماعی است (عبدی و شرافتی پور، ۱۳۸۶، ص ۱۴۸) زنان پلیس جهت آموزش همگانی به دو شیوه عمل می کنند. حضوری و غیر حضوری. در آموزش حضوری کارشناسان ناجا (پلیس زن مشاور) بصورت مستقیم و چهره به چهره با حضور در مراکزی چون مساجد و مدارس و دانشگاه ها و ادارات دولتی و... اقدام می نماید و در آموزش های غیر حضوری با بهره گیری از ابزار و امکانات کمک آموزشی همچون تولیدات هنری و رسانه های جمعی و تولیدات چاپی نسبت به انتقال پیام ها و مطالب و هشدارها که برای آگاه سازی جامعه به ویژه کودکان مفید است اقدام می نمایند.

### ۳. آموزش مهارت های پیشگیری از بزه دیدگی

پلیس زن می تواند از طریق ارائه اطلاعات کلی در مورد شیوه های اجتناب از بزه دیدگی به زنان و کودکان و سایر بزه دیدگان به پیشگیری از جرم کمک نماید. مهارت های پیشگیری از بزه دیدگی را می توان به افراد مختلف به خصوص کودکان که در معرض بزه دیدگی قرار دارند، یعنی بزه دیدگان بالقوه آموزش داد. آموزش پیشگیری از بزه دیدگی به کودکان به شکلی هماهنگ به وسیله مشاوران و مددکاران زن ناجا که در زمینه پیشگیری از بزه دیدگی اطفال تخصص های لازم را کسب کرده اند، می تواند گام مثبت و مفیدی در جهت پیشگیری از بزه دیدگی اولیه و نیز بزه دیدگی ثانویه است. علاوه بر این با آموزش اصول پیشگیری از جرم می توان انتظار داشت که با افزایش شناخت افراد به ویژه کودکان بزه دیده در این خصوص این باور را در آن ها ایجاد کرد که بزه دیدگی اجتناب پذیر بوده و با اقدامات درست و به جا می توان احتمال وقوع خشونت در خانواده و در نتیجه بزه دیدگی را کاهش داد. پلیس زن می تواند از طریق ارائه اطلاعات کلی در مورد شیوه های اجتناب از بزه دیدگی و مدیریت خطر جرم به کودکان به پیشگیری از بزه دیدگی آنان کمک کند. از جمله اقداماتی که معاونت اجتماعی ناجا و پلیس زن جهت پیشگیری از بزه دیدگی کودکان انجام داده



است. برگزاری مشاوره فعال در مساجد، اماکن عمومی و مجتمع های مسکونی و غیره بوده که در جهت آموزش مهارت های پیشگیری از بزه دیدگی کودکان و مقاومت صحیح در برابر عوامل جرم و مجرمین و همچنین نحوه صحیح برخورداری از امنیت در جامعه و نیز فضای مجازی آموزش داده اند. در واقع برای پیشگیری از بزه دیدگی مکرر پلیس زن می تواند برنامه های خود را در دو بخش برنامه ریزی نماید: یک برگرداندن طفل بزه دیده به وضعیت یکپارچه پیشین پس از بزه دیدگی کنونی، و دو پیشگیری از بزه دیدگی دوباره وی.

#### ۴. اطلاع رسانی آموزه های دینی

کلارک توجیه اخلاقی عمل خلاف توسط مجرمان را عنصر چهارم در تصمیم گیری منطقی آن ها در ارتکاب به جرم می داند. به عبارت دیگر مجرم برای این که احساس شرم و گناه نکند با توجیه اخلاقی و منطقی عمل خلاف به دنبال راضی کردن وجدان خود می باشد. در این جا باید میان تصمیم گرفتن فرد برای بزهکاری با تصمیم گیری حادثه ای که فرد بر اساس موقعیت و شرایط آنی به جرم مبادرت می ورزد، تفاوت قائل شد. تصمیم گیری نوع اول یک فرایند چند مرحله ای است یکی از مراحل مهم آن، پس از تحریک شدن و تصمیم گرفتن به ارتکاب عمل مجرمانه و فراگیری روش اجرا و تهیه ابزار، توجیه نمودن اخلاقی و منطقی عمل مجرمانه است، با این کار مجرم، وجدان خود را به منظور دوری از احساس شرم راضی می نماید. حس شرم احساس اخلاقی است که در تعامل فرد و جامعه بروز می کند و فرد به عنوان موجودی اجتماعی با آن مواجه می شود؛ تحقق این حس محصول سنجش و ارزیابی رفتار خویش با مجموعه ارزش ها و هنجارهایی است که فرد را احاطه کرده اند. چنین نظام اخلاقی متشکل از مجموعه ارزش های خوب و بد است که فرد به آن ها ایمان دارد. بنابراین شخص زمانی شرمسار می گردد که در یک ارزیابی درونی بر مبنای شاخص های اخلاقی، رفتار خود را مورد تایید تلقی نمی کند. پلیس زن در این نوع پیشگیری با تکیه بر مجرم و بدون نیاز به شناسایی آن ها با اطلاع رسانی آموزه های دینی و اخلاقی در سطح جامعه مانند مشارکت فعال در تهیه فیلم های سینمایی و یا سریال های تلویزیونی و... به دنبال تاثیرگذاری بر مجرمان و

منصرف کردن آن‌ها از طریق متزلزل نمودن توجیهاات به ظاهر منطقی و یا حتی اخلاقی افراد مجرم می‌باشد. در اطلاع رسانی آموزه های دینی با یادآوری کردن و بارخوانی اینگونه آموزه ها و به عنوان نهی از منکر، افراد با آثار و نتایج دنیوی و اخروی عمل مجرمانه، از ارتکاب جرم پیشگیری می‌نماید. لذا پلیس زن می‌بایست در اینگونه اطلاع رسانی ها با مطالعه در جرایم مختلف و بررسی دقیق توجیهاات اخلاقی و منطقی افراد مجرم، با شناخت کامل و ایجاد یک چارچوب منسجم به گردآوری آموزه های دینی و اطلاع رسانی آن‌ها پردازد و از این طریق با متزلزل کردن پایه های اخلاقی و منطقی اینگونه توجیهاات و با ایجاد حس شرم، مانع شکل گیری اراده مجرمانه شوند.

#### ۵. اطلاع رسانی طرح ها و خدمات انتظامی

منظور از اطلاع رسانی نحوه ارائه خدمات، ارائه امور مربوط به مستندات، روش انجام کار و... از طریق کلیه وسایل عمومی، رسانه ها، موسسات، فنون و طرق مختلف تولید نشر اطلاعات توسط دستگاه ها و مراکز اطلاعاتی است. (مصوبات برنامه اصلاح فرآیندها و روش های انجام کار از هفت برنامه تحول در نظام اداری، ۱۳۸۴، ص ۱۳۲) با توجه به حیثه عملکرد پلیس زن که کلیت جامعه را دربر می‌گیرد اطلاع رسانی طرح و خدمات انتظامی شامل مستند و مکتوب کردن خدمات و طرح های پلیس و اطلاع رسانی آن به کلیت جامعه به خصوص قشر کودکان می‌باشد اهداف اینگونه اطلاع رسانی عبارتند از:

پیشگیری از وقوع جرم

۱. افزایش رضایت مندی مردم

۲. کاهش برخوردهای اجتماعی پلیس

۳. افزایش همکاری و مشارکت مردم

۴. پیشگیری از وقوع جرم

پیشگیری از وقوع جرم به عنوان یکی از اهداف اطلاع رسانی طرح ها و خدمات انتظامی مطرح می‌باشند. توضیح اینکه در وقوع برخی از جرایم ضعف و یا ضعیف پنداری مجنی علیه در عدم پیشگیری پیگیری جرم نقش زیادی دارد. از عمده ترین دلایل آن می‌توان چنین اشاره



نمود که یا پیگیری برای جرم از آن چنان ارزشی برخوردار نمی باشند که بخواهد وقت و مال خود را صرف آن کند و یا اینکه احساس گرفتاری و تحمل مشقت رجوع به پاسگاه و کلافه شدن در راهروهای دادگستری و یا تحقیر شدن در آن محیط ها و سیر طولانی عدم حصول نتیجه، آنان را از پیگیری جرمی که ب. آن ها واقع شده باز می دارد. این عوامل برای مجرمین، امنیت ارتکاب جرم را به ارمغان می آورد و در سایه امنیت ایجاد شده آن ها را به ارتکاب جرایم بزرگتر تحریک می کند. یکی از راه های تقلیل این وضعیت اطلاع رسانی خدمات و طرح های انتظامی می باشد تا مردم از چگونگی مراحل، مکان و زمان اجرای خدمات انتظامی و قوانین و مقررات مرتبط آشنا شوند. مردم آموزش دیده از نظر ذهنی توانمندتر بوده و به آسانی به دنبال احقاق حقوق خود و تعقیب مجرم می روند لذا جاذبه های جرم را برای مجرمین کاهش داده و نقش موثری در پیشگیری از وقوع جرایم دارد. (کریمی خوزانی، ۱۳۸۸، ص ۲۰)

#### ۶. ایجاد کلانتری بانوان و تاسیس دفاتر مددکاری کلانتری ها و مراکز مشاوره ناجا

نیروی جمهوری اسلامی ایران در تحقق حمایت از حقوق شرعی و عرفی و قانونی افراد به ویژه کودکان، اقدام به تاسیس کلانتری هایی نموده است که تمام کارکنان آن زنان پلیس هستند. همه این اقدامات گامی در جهت حمایت از کودکان بزه دیده و حتی بزهکار و بدون مشکل می باشد. همچنین تاسیس بیش از هفت صد دفتر مددکاری و مشاوره در داخل کلانتری ها و ایجاد مراکز مشاوره وابسته به ناجا گامی موثر در جهت پیشگیری از بزه دیدگی کودکان می باشد.

#### ب) نقش پلیس زن در پیشگیری رشد مدار از جرایم علیه کودکان

پلیس زن در نقش یک نیروی حمایتی و پشتیبان می تواند در حوزه پیشگیری از جرایم نقش مهمی ایفا نماید. یکی از مطلوب ترین شیوه های پیشگیری، پیشگیری از بزه دیدگی کودکان است که آینده سازان هر جامعه ای را تشکیل می دهند و سالم و پاک بودن کودکان نمایان گر تصویری از جامعه سالمی است که می تواند در آینده به سمت رشد و تعالی حرکت

کند. کودکان و نوجوانان به دلیل آن که شخصیت آن‌ها در حال شکل‌گیری است، بهترین گزینه‌هایی هستند که می‌توان تدابیر پیشگیرانه پرورشی و اصلاحی در مورد آن‌ها پیاده و اجرا نمود. در واقع پلیس زن در راستای پیشگیری رشد مدار، با مداخله زودرس بر اطفال و محیط پیرامون آن‌ها مثل مدرسه و خانواده، می‌تواند از بزه‌دیدگی و بزهکاری آن‌ها در آینده جلوگیری نمایند. این اقدامات پیشگیری رشد مدار باید پیش از بروز و در آستانه اختلاف‌های احتمالی معمول جلوی عوامل خطری را که کودکان در معرض آن هستند، بگیرد. در پیشگیری رشد مدار با شناسایی کودکانی که زودتر از سنین معمول رفتارهای ناسازگارانه، منحرفانه و مجرمانه از خود نشان می‌دهند، تلاش می‌شود تا ضمن شناسایی‌خلاف‌ها و کمبودها یا مشکلات عاطفی، تربیتی، تحصیلی و فرهنگی و... که به این دست رفتارها منجر شده است؛ با خود کودک یا در صورت لزوم با خانواده، هم‌کلاسی، همسایه و هم‌بازی و... برخورد متناسب صورت بگیرد. بنابراین در پیشگیری اجتماعی رشد مدار، علاوه بر خود منحرف یا بزهکار ممکن است والدین، دوستان، هم‌کلاسی‌ها و آموزگاران و... نیز مشمول اقدام‌ها و مداخله‌های روان‌شناختی-اجتماعی قرار گیرند که هدف همه اقدامات مذکور، پیشگیری از مزمن و پایدار و دائمی شدن جرم در اطفال در آینده می‌باشد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۱) از آنجایی که مراحل مختلف رشد کودکان در مکان‌های مختلف چون خانواده، مدرسه و اجتماع صورت می‌گیرد، برنامه‌های پیشگیری رشد مدار به برنامه‌های خانواده، مدرسه، مدار و اجتماع مدار تقسیم می‌شود.

#### ۱. پلیس زن و پیشگیری از جرم از طریق برنامه‌های مدرسه محور

آموزش و پرورش محیطی برای تعلیم و تربیت کودکان به شمار می‌رود. در این مدرسه از جمله نهادهای اجتماعی است که بعد از خانواده نقش به‌سزایی در زندگی اجتماعی کودکان برعهده دارد، زیرا ایشان بیشتر اوقات خود را در مدرسه سپری می‌کنند. (رابرتسون، ۱۳۷۲، ص ۱۲۹) در برخی مدارس نامناسب بودن برنامه‌ها، محیط سرد و غم‌آور، نبود معلمان ورزیده و تعلیم دیده، بی‌توجهی و بی‌علاقگی به وضع دانش‌آموزان و شلوغ و پرجمعیت بودن کلاس‌ها و نیز نبود فرصت کافی برای معلمان برای رسیدگی به مشکلات





دانش آموزانی که زمینه وضع تحصیلی-اجتماعی یا شخصی خود نیاز به کمک دارند؛ سبب می شود که این قبیل دانش آموزان به محض مشاهده شروط لازم به رفتار بزهکارانه روی آورند و یا خود را در معرض بزه دیدگی قرار دهند تا از این طریق تا حدودی جلب توجه و احساس موفقیت کنند. (ستوده، ۱۳۷۳، ص ۴۴) لذا برقراری ارتباط پلیس با امور مدارس در بسیاری از کشورها اجرا شده است. در این الگوی پلیس مدرسه، پلیس در قالب افسران کاردان مدرسه (به صورت افسر انتظامی، مشاور و مربی آموزشی) و افسران رابط مدرسه، ماموران مدرسه و ماموران مخفی پلیس در مدارس و... فعالیت می کنند. (محمدنسل، ۱۳۸۷، ص ۱۸۵) در واقع برنامه های مبتنی بر مدرسه متمرکز بر حمایت از رشد شناختی کودکان و مهارت های اجتماعی و مهارت هایی در خصوص حل مشکلاتشان و کنترل خود و اداره فشارهای وارد بر آنان و ایجاد کلاس هایی برای والدین به منظور آموزش آن ها در زمینه پاداش دادن و تشویق رفتارهای مطلوب کودکان می باشد و به منظور بهبود محیط مدرسه، افزایش تجربیات مثبت کودکان در مدرسه و افزایش اعتماد به نفس و مشارکت در فعالیت های مدرسه صورت می گیرد که همگی می تواند نتایج مفیدی از جمله پیشگیری از جرم و بزه دیدگی کودکان را به همراه داشته باشد. با مشارکت زنان پلیس با مدرسه و ایجاد تعامل بسیار گسترده میان ایشان و اولیا مدرسه و دانش آموزان، زنان پلیس می توانند ضمن حفظ امنیت دانش آموزان در مدارس، در زمینه مسائل روز جامعه، جرایم گوناگون به ویژه جرایم علیه اطفال و راه های پرهیز از خطر و آشنایی با مواد قانونی و... کودکان را با آسیب های موجود و راه های پیشگیری از آن آشنا سازند. پلیس زن از طریق برنامه های مدرسه محور می تواند از طریق تعامل با والدین، تعامل با مربیان و معلمان و مدیران مدرسه و تعامل با دانش آموزان نقش مهمی در پیشگیری از جرایم علیه کودکان ایفا نماید. (مدبر، ۱۳۸۹، ص ۱۲۴)

## ۲. پلیس زن و پیشگیری از جرم از طریق برنامه های خانواده محور

جامعه شناسان بر این باور هستند که خانواده از جمله مهم ترین عواملی است که می تواند بیشترین نقش را در جلوگیری از بروز انحرافات و جرایم اجتماعی ایفا می کند، همانگونه که می تواند عامل موثری در بروز رفتارهای انحرافی باشد. بنابراین اگر محیط خانواده فرد، محیطی سالم و مناسب و به هنجار باشد احتمال مصونیت این فرد و عدم گرایش آنان به



رفتارهای انحرافی و نابهنجار بسیار کم می شود. (اوجدی، ۱۳۸۷، ص ۳۲) در خصوص مداخله پلیس زن در خانواده می توان گفت که بخشی از زنان پلیس که در کلاتری ها و مراکز مشاوره و مددکاری ناجا مشغول هستند دارای تخصص در زمینه روانشناسی و حقوق و مهارت های انتظامی هستند؛ بنابراین بهترین گزینه برای برقراری تعامل و ارتباط با خانواده ها به حساب می آیند. پلیس زن در تعامل با خانواده ها در اجرای برنامه های خانواده محور برای پیشگیری از جرایم به آموزش مهارت های اجتماعی به طفل و والدین در جهت پیشگیری از بزهکاری و بزه دیدگی می پردازد. (بیگی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۹) در واقع اصول و برنامه های خانواده محور مشتمل بر آموزش های پیش دبستانی، آموزش پدر و مادر و حفظ خانواده می باشد.

### ۳. پلیس زن و پیشگیری از جرم از طریق برنامه های رسانه های جمعی

پلیس زن در زمینه پیشگیری از جرم با اقدامات فرهنگی مناسب در دو قالب آموزش و تبلیغ، نقش مهمی را در پیشگیری از جرم ایفا می کند. رسانه های جمعی به ویژه تلویزیون به دلیل دارا بودن مخاطبین زیاد می تواند نقش ویژه ای در آموزش همگانی و پیشگیری داشته باشد. پلیس در عرصه اطلاع رسانی ابزارهای رسانه های جمعی را به کار گرفته است. (گل محمدی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۲) با معرفی صحیح زنان پلیس و توانمندی های ایشان از طریق رسانه های جمعی، همکاری و اعتماد افراد جامعه به زنان پلیس بیشتر شده و زنان پلیس بیشتر و آسان تر می توانند دانسته های خود را به دیگران به ویژه کودکان و خانواده های ایشان منتقل کرده و از بزهکاری و بزه دیدگی کودکان جلوگیری نمایند.

### ج) نقش پلیس زن در پیشگیری وضعی از جرایم علیه کودکان

با توجه به اینکه اهداف پیشگیری وضعی دشوار یا ناممکن نمودن وقوع جرم و جلوگیری از پیدایش و تشدید انگیزه مجرمانه است. (خوئی، ۱۳۷۱، ص ۱۸۱) استراتژی ها و تکنیک هایی در پیشگیری وضعی استفاده می شوند که مبتنی بر افزایش زحمت ارتکاب جرم، افزایش خطر های پیش بینی پذیر جرم، کاهش منافع پیش بینی پذیر جرم و کاهش تحریک بزهکاران است. (محمدنسل، ۱۳۸۶، ص ۴۹) در واقع پلیس زن می تواند با تاثیر بر شرایط و موقعیت ها،



موجب افزایش امنیت اجتماعی کودکان شده و از بزهکاری و بزه دیدگی ایشان جلوگیری نماید.

پلیس زن از سه طریق می تواند در پیشگیری وضعی نقش داشته باشد.

الف) کنترل ابزارها و مقدمات جرم

ارتکاب بعضی از جرایم نیازمند اسباب و ابزاری است که بدون دخالت آن ها جرم دشوار یا ناممکن می شود. پلیس زن می تواند با ایجاد محدودیت هایی در مقدمات زمینه و فرصت ارتکاب بسیاری از جرایم را سلب کند.

ب) از بین بردن زمینه ها و مقدمات جرم

برخی فرصت ها و شرایط و موقعیت ها برای ارتکاب جرم مساعد تر هستند، لذا پلیس زن به دلیل آشنایی بیشتر با رفتار کودکان، به شناسایی رفتارهای آسیب پذیر ایشان پرداخته و نسبت به از بین بردن آن ها تلاش می نماید.

ج) حفاظت از آماج ها

هدف از حفاظت از آماج های رفتار مجرمانه، افزایش امنیت فیزیکی آماج های جرم است تا از این طریق ارتکاب جرم برای مجرمان دشوارتر و خطرناکتر و خطرناکی از آن برای آن ها بیشتر شود. از جمله اقداماتی که زنان پلیس برای حفاظت از آماج ها انجام می دهند کنترل ورودی ها و خروجی های شهر ها، محله های آسیب پذیر و نیز حفاظت الکترونیک با استفاده از فناوری های نوین است. (وزیری، ۱۳۹۰، ص ۱۷۳) با توجه به نقشی که پلیس زن در پیشگیری وضعی از جرایم علیه کودکان دارد، منجر به افزایش خطر شناسایی و دستگیری مجرمین (گراهام، ۱۳۷۰، ص ۱۴۲)، جلوگیری از جرم در مکان های جرم خیز (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴، ص ۵۴)، شناسایی و حفاظت از کودکان در معرض بزه دیدگی، اعلام موقعیت های پرخطر به والدین و تقلیل موقعیت های بزه دیدگی کودکان می شوند. (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۲، ص ۲۳)

## نتیجه گیری

باتوجه به نقش پلیس زن و ماموریت ایشان در راستای حفظ امنیت اطفال، و همچنین تصریح ماده ۷ لایحه پیشگیری از وقوع جرم که یکی از سازمان های مسئول در پیشگیری اجتماعی را نیروی انتظامی معرفی می کند؛ پلیس زن می تواند نقش به سزایی در جهت پیشگیری از وقوع جرم اطفال داشته باشد. اطلاع رسانی درست و به موقع و هدفمند از شاخصه های مهم پیشگیری به شمار می رود. بنابراین اتخاذ سیاست های مدون در این راستا، از محوری ترین برنامه های نیروی انتظامی است، پلیس در قالب متولی اصلی حفظ نظم و امنیت جامعه برای پیشگیری از جرم، شایسته است که با نهادهای دولتی و مردم مرتبط باشد. در این راستا پلیس سعی کرده است تا با محوریت قراردادن پیشگیری اجتماعی، نقش بیشتری در پیشگیری از وقوع جرایم داشته باشد. در این میان با توجه به حوزه ماموریت پلیس زن و وظیفه حفظ امنیت کودکان، استفاده از پلیس زن در قالب رابط و برقرار کننده تعاملات اجتماعی با سایر سازمان ها، فواید زیادی را دربردارد. بیشتر اعضای تشکیل دهنده سازمان های مورد بحث در حوزه پیشگیری اجتماعی از جمله خانواده و مدرسه و رسانه، کودکان هستند و زنان پلیس به علت جنس زن و مادر بودن و لطافت طبع ایشان و درک بهتر مسائل کودکان، در زمینه برقراری ارتباط با این طبقه مشکلات کمتری خواهند داشت. ضمن آن که زنان پلیس علاوه بر تجارب مفید خود و دیگران و مطالعه علوم مرتبط با مسائل اطفال، دارای دانش انتظامی نیز هستند و با عواقب بسیاری از رفتارهای نابهنجار و جرایم ارتكابی اطفال، آشنایی دارند. یکی از ابعاد اصلی ماموریت نیروی انتظامی، به ویژه پلیس زن، تامین امنیت فردی و عمومی و پیشگیری از جرایم است. از طرفی درصد زیادی از جمعیت هر کشور را کودکان تشکیل می دهند که در مقابل جرایم بسیار آسیب پذیر هستند. پلیس زن به دلیل ویژگی ها و توانمندی هایی که دارد و نیز به دلیل جنسیت وی و درک رفتار کودک و دارا بودن نقش مادری و ویژگی های خاص روحی و روانی و مهارت در برقراری ارتباط می تواند در زمینه پیشگیری از جرایم علیه کودکان نقش به سزایی داشته باشد. پلیس زن می تواند با مداخله در پیشگیری وضعی اجتماعی و رشد مداربر کاهش بزه دیدگی کودکان تاثیر به سزایی داشته باشد.



## منابع و مأخذ

۱. احمدی، محمد حسین، توانمندی زنان پلیس در پیشگیری از جرم، مجموعه مقالات همایش ملی پیشگیری از جرم دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، تهران، ۱۳۸۷.
۲. اکاریو، روبر، مداخله روانشناسی اجتماعی زودرس پیشگیری از رفتارهای مجرمانه، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۵، ۱۳۸۱.
۳. السان، مصطفی، پیشگیری تعاملی از جرم، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم نشریه پلیس پیشگیری ناجا، شماره ۵، ۱۳۸۶.
۴. اوچدی، یاسمن، بررسی انسان شناختی خانواده و میزان تاثیر محیط زندگی بر آن، رساله کارشناسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
۵. اورنگ، محمد، سیر تکامل پلیس ایران، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی، تهران، ۱۳۸۴.
۶. بیگی، جمال، بزه دیدگی اطفال در حقوق ایران، انتشارات میزان، تهران، ۱۳۸۴.
۷. جابری، عربلو، محسن، فرهنگ اصطلاحات فقه اسلامی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲.
۸. خوئی، ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، انتشارات غدیر، قم، ۱۳۷۱.
۹. رایجیان اصلی، مهرداد، بزه دیده شناسی حمایتی، مجله پژوهش های حقوقی، شماره ۷، ۱۳۸۴.
۱۰. رجبی پور، ابراهیم، پیشگیری انتظامی شهروندمدار، مجموعه مقالات نخستین همایش پیشگیری از جرم، معاونت آموزش ناجا، ۱۳۸۸.
۱۱. رجبی پور، ابراهیم، پیشگیری انتظامی شهروندمدار، مجموعه مقالات پیشگیری از جرم دفتر تحقیقات کاربردی پیشگیری ناجا، ۱۳۸۷.
۱۲. زراعت، عباس، قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۸۴.



۱۳. سازمان مدیریت و برنمه ریزی کشور، مصوبات برنامه اصلاح فرایندها و روش های انجام کار از هفت برنامه تحول در نظام اداری، جلد ۲، معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی، ۱۳۸۴.

۱۴. ستوده، هدایت الله، آسیب شناسی اجتماعی، تهران، انتشارات آوی نور، ۱۳۷۳.

۱۵. سعیدیان، ربابه، آموزش و پرورش نهادی مهم برای پیشگیری از آسیب های اجتماعی، نشریه حمایت، ۱۳۸۷.

۱۶. سلیمان پور، محمدجواد، رابطه امنیت اجتماعی یا ناامن سازی محیط حرم برای پیشگیری از جرایم، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳، ۱۳۹۰.

۱۷. عبدالرحمانی، رضا، پلیس اجتماع محور و امنیت محله ای، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۴، سال ۱۳۸۳.

۱۸. عبدی، نرگس و شرافتی پور، جعفر، پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۹، ۱۳۸۶.

۱۹. فیروزی، گلناز، حمایت از اطفال بزه دیده خشونت خانوادگی در قوانین ماهوی ایران، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱۲، ۱۳۸۸.

۲۰. کریمی خوزانی، علی، راهبر پلیس برای توسعه امنیت پایدار پیشگیری از بزهکاری و بزه دیدگی افراد با اطلاع رسانی انتظامی، ماهنامه توسعه انسانی پلیس، شماره ۷، ۱۳۸۸.

۲۱. کریمی خوزانی، علی، چگونگی شفاف سازی خدمات پلیس برای جامعه، ماهنامه توسعه انسانی پلیس، شماره ۲۳، ۱۳۸۸.

۲۲. گراهام، جان، ترجمه: موسسه تحقیقات علوم جزایی و جرم شناسی، راهبردهای پیشگیری از جرم در اروپا و آمریکای شمالی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.

۲۳. گل محمدی خامنه، پیشگیری از جرایم، تهران، انتشارات جهان جام جم، ۱۳۸۴.



۲۴. محمدنسل، غلامرضا؛ پیشگیری اجتماعی وضعی از جرم، فصلنامه دانش حفاظتی و امنیتی، شماره ۵، ۱۳۸۶.
۲۵. مدبر، لیلا و چوبانی رستمی، محسن، پیشگیری اجتماعی از جرایم زنان و دختران، فصلنامه پلیس، شماره ۱۳، ۱۳۸۹.
۲۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشگیری از جرم، علوم جنایی مجموعه مقالات در تجلیل از استاد محمدآشوری، انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
۲۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷.
۲۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشگیری عادلانه از جرم، مجموعه مقالات علوم جنایی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
۲۹. نمازی خواه، سحر، چاره اندیشی برای امنیت کودکان، تهران، نشریه شرق، ۱۳۸۳.
۳۰. نیازپور، امیرحسین، پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی ایران و لایحه قانون پیشگیری از جرم، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵، ۱۳۸۲.
۳۱. نیازپور، امیرحسین، پیشگیری زود هنگام از پیداری رفتاریهای مجرمانه، مجله فرهنگ و پژوهش، شماره ۱۶۱، ۱۳۸۳.

